

سُئِلَ النَّبَا مَكِّيَّةٌ وَهِيَ أَرْبَعُونَ آيَةً وَفِيهَا مَكِّيٌّ عَنَّا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به اسم الله رحمان رحيم

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ^(١) عَنِ النَّبَا الْعَظِيمِ^(٢) الَّذِي هُمْ فِيهِ

از چه میکنند سوال ازهم. * از خبر عظیم * که هستند در آن

(١) تا اینکه ایمان و یقین کامل حاصل نشده مردم سوال میکنند راجع به ذات الله، ملائک او، کُتُب او، رُسُل او و روز قیامت.

مُخْتَلِفُونَ^ط ۳ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ^ل ۴ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ^ه ۵ أَلَمْ نَجْعَلِ

در اختلاف. * هرگزنی! زود می فهمند * مکرر نی! زود می فهمند * آیا نساختیم

الْأَرْضَ مَهْدًا^ل ۶ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا^ل ۷ وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا^ل ۸ وَجَعَلْنَا

زمین را مهدی * و کوه‌ها را چو میخها * و خلق کردیم شمارا ازواج * و ساختیم

نَوْمَكُمْ سُبَاتًا^ل ۹ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا^ل ۱۰ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا^ج ۱۱

خواب شمارا سبات^۲ * و ساختیم شب را لباسی * و ساختیم روز را برای معیشت *

(۱) اوتاد: گُل میخ‌های عظیم که حصه فوقانی آن بشکل اهرام است. (۲) سباتاً: سبت روز هفتم هفته، روز راحت سبات: استراحت برای مسلمانان خواب آنها امر سبت را دارد و عبادت خاص آنهاست تهجد و تلاوت قران در شب.

وَبَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا^{۱۶} وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا^{۱۳} وَأَنْزَلْنَا

و بنا کردیم فوق شما هفت استحکام^۱ * و ساختیم چراغ درخشنده * و نازل کردیم

مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَبَّاجًا^{۱۴} لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا^{۱۵} وَجَنَّاتٍ

از معصرات^۲ آب ریزان را * کنیم خارج با آن حبوبات و نبات * و جنات

الْفَافَا^{۱۶} إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا^{۱۷} يَوْمَ يُنْفَخُ فِي السُّورِ

انبوه را. * یقیناً یوم فصل را هست میقاتی * روزیکه شود نفخه در صور^۳

(۱) پهنائی آسمان امروز هم از ادراک بیرون است. (۲) منبع آب ابرها و سنگهای آسمانی است. (۳) صور: تا باز صورت دهد.

فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا^{۱۸} وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا^{۱۹} وَسُيِّرَتِ

باز میآید به افواج * و میشود باز سماء چون دروازه ها * و سیر میکند

الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا^{۲۰} إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا^{۲۱} لِلطَّغِينِ

کوه ها بمثل سراب. * یقیناً جهنم میباشد بترصد * برای طغیان گران

مَا بَأْسًا^{۲۲} لِبَشَرٍ فِيهَا أَحْقَابًا^{۲۳} لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا^{۲۴}

قرارگاهی * کند درنگ آنجا مدتها * نکنند ذائقه آنجا سردی و نه شراب *

إِلَّا حَيْمًا^٤ وَغَسَاقًا^{٢٥} جَزَاءً^٣ وَفَاقًا^{٢٦} إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ

الا گرم آب و تیرگی * جزاء * موافق! * اینها * هرگز نداشتند توقع

حِسَابًا^{٢٧} وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَّابًا^{٢٨} وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَا كِتَابًا^{٢٩}

حساب * و تکذیب کردند آیات ما را بدروغ. * و کل شیء را کردیم احصائیه بکتاب *

فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا^{٣٠} إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا^{٣١}

کنید ذائقه که نمی افزاید بشما إلا عذاب. * هست برای متقین کامیابی *

حَدَّ آيِقٍ وَأَعْنَابًا^{٣٢} وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا^{٣٣} وَكَأْسًا دِهَاقًا^{٣٤} ط

بوستانها و اعناب * و کواعب^١ همتا * و کاسه های لبریز. *

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذْبًا^{٣٥} جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا^{٣٦} ل

نه می شنوند آنجا لغو و نه کذب. * جزاء از رب تو، اعطاء حساب *

رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمٰنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ

رب سماوات و زمین و ما بین آنها آن رحمان، نیستند مالک که او را

(١) عنب: انگور. کواعب: دوشیزگان بارز پستان.

خِطَابًا^{۳۷} يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا^{۳۸} لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا

خطاب کنند* روزیکه شود استاد روح و ملائک بصف،^۱ نمیکنند تکلم الا

مَنْ أَدِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا^{۳۹} ذَلِكَ الْيَوْمَ الْحَقُّ^{۴۰} فَمَنْ

آنکه دهد اذن بوی رحمان و گوید صواب * آنست^۲ یوم حق. هر که

شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَاءً^{۴۱} إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ عَنَّا قَرِيبًا^{۴۲} يَوْمَ

خواهد کند اخذ نزد رب خود مآب^۲ * ما دهیم اخطار بشما عذاب قریب، روزیکه

(۱) این صفها مانند صفهای دور کعبه بحلقه ها تصور شود یا مانند ذرات بدور نوه. (۲) مآب: پناه گاه (RESORT)

يَنْظُرُ الْبُرِّءُ مَا قَدَّمَ مَتَّ يَدُهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ لِيَلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ۴۰

کند نظاره آدمی آنچه اقدام کرد دستانش و گوید کافر ای کاش میبودم خاک^۱*

(۱) بکدام آئینه مایلی که ز فرصت اینهمه غافل
زسروش محفل کبریا همه وقت میرسد این ندا
تونگاه دیده بسملی مژه وا کن و بکفن در
که بخلوت ادب وفا ز در برون نشدن در